

Abstract

Citizenship rights are basically based on the three principles of civil rights, political rights and social rights and are considered as the main pillars of human rights. They enjoy the benefits enshrined in the constitution and other common law in that country. It is effective in public participation regardless of racial, ethnic, class, cultural or religious affiliation. Citizenship rights, which are based on a reciprocal social contract and a series of reciprocal rights "government over people" and "people over government" and as a common public sense of national and social identity, are accompanied by obstacles and problems. In general, this article, while getting acquainted with citizenship rights, examines these rights in the two countries of the Islamic Republic of Iran and Turkey, and uses a descriptive and analytical method to compare these rights in the two countries and, based on hypotheses, examines examples of citizenship rights. In the framework of civil and political rights of Iran and Turkey, review of types of citizenship rights in Iran and Turkey in the field of civil and political rights, review of examples of citizenship rights in the framework of cultural, social and economic rights, review of the Charter of Citizenship in the current situation of Iran and Turkey and Finally, the promotion of the duties of the Iranian and Turkish governments in citizenship rights is discussed. The main point that is prominent in the citizenship rights in Iran and Turkey from the point of view of religion is that in the Islamic Republic of Iran It is conceivable that these rights are not possible due to the recommendations of religion in the laws and guidance of citizens, while in Turkey, as mentioned, a kind of culture tends to develop and be modern and mixed with religion, and the type of citizenship rights is independent. From religious advice to the Republic Islamic Iran is observed.

Keywords: Law of Iran, Turkey, Charter of Citizenship Rights, Civil and Political Spheres, Promotion of Citizenship Rights.

مطالعه تطبیقی حقوق شهروندی در جمهوری اسلامی ایران و کشور ترکیه

وحید مسکوکیان^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۱۰

اسماعیل حسینی گلی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۷

نادر هوشمندیار^۳طاهره ابراهیمی فر^۴

چکیده

اساساً حقوق شهروندی بر سه اصل حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی بنیان نهاده شده و از ارکان اصلی حقوق بشر محسوب می‌شود. شهروند در جوامع دموکراتیک به افرادی اطلاق می‌شود که تابعیت کشوری را دارا می‌باشند و به تبع این وابستگی از حقوق و مزایایی برخوردار می‌شوند که در قانون اساسی و سایر قوانین عادی در آن کشور به تصویب رسیده است. شهروندی به عنوان یک پایگاه و نقش اجتماعی مدرن فراگیر، مجموعه‌ای به هم پیوسته از حقوق و وظایف برابر همگانی ناظر بر احساس تعلق اجتماعی به جامعه و موثر در مشارکت همگانی فارغ از تعلقات نژادی، قومی، طبقاتی، فرهنگی و مذهبی است. حقوق شهروندی که مبتنی است بر قرارداد متقابل اجتماعی و یک سلسله حقوق متقابل "دولت بر مردم" و «مردم بر دولت» و به عنوان یک احساس مشترک عمومی نسبت به هویت ملی و اجتماعی با موانع و مشکلاتی همراه است. در مجموع این نوشتار ضمن آشنایی با حقوق شهروندی به بررسی این حقوق در دو کشور جمهوری اسلامی ایران و ترکیه می‌پردازد و با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی به مقایسه این حقوق در دو کشور می‌پردازد و بر اساس فرضیه‌ها به بررسی مصادیق حقوق شهروندی در چارچوب حقوق مدنی و سیاسی کشور ایران و ترکیه، بررسی انواع حقوق شهروندی در ایران و ترکیه در حوزه‌های حقوق مدنی و سیاسی، بررسی مصادیق حقوق شهروندی در چارچوب نظام حقوق فرهنگی اجتماعی و اقتصادی، بررسی منشور حقوق شهروندی در شرایط فعلی ایران و ترکیه و در نهایت بررسی ارتقا تکالیف دولت ایران و ترکیه در حقوق شهروندی می‌باشد پرداخته شده است که نکته اصلی که در حقوق شهروندی در ایران و ترکیه از نظر عامل دین نمایان و برجسته است این است که در جمهوری اسلامی ایران مفهوم شهروندی به معنی غرب و تعریفی که از این حقوق متصور است به جهت توصیه‌های دین در قوانین و هدایت شهروندان، امکانپذیر نیست در حالی که در ترکیه همانطور که به آن اشاره شد یک نوع فرهنگ تمایل به توسعه و مدرن بودن با دین آمیخته و سازگاری پیدا کرده و نوع حقوق شهروندی فارغ از توصیه‌های دینی نسبت به جمهوری اسلامی ایران مشاهده می‌شود.

واژگان کلیدی: حقوق ایران، ترکیه، منشور حقوق شهروندی، حوزه‌های مدنی و سیاسی، ارتقا حقوق شهروندی.

^۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، تهران، ایران (vmaskoukian2021@gmail.com)

^۲ استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، تهران، ایران (Esmail Hoseyni goli@gmail.com)

^۳ دکتری توسعه مدیریت، استادیار، تهران، ایران (NaderHoushmandyar@gmail.com)

^۴ دانشیار، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، تهران، ایران (dr-ebra@yahoo.com)

شهروندی از جمله مفاهیم مطرح در دنیای معاصر است که در نظریات اجتماعی، سیاسی و حقوقی جایگاه ویژه ای پیدا کرده است. این مفهوم بر ادعاهایی کاملاً مستقل اما نه چندان تعریف شده در مورد جایگاه فرد در مقام عضوی از یک جامعه یا ملت منعکس است. بر این اساس اندیشمندان اجتماعی شهروند را به عنوان کسی که در یک محیط جغرافیایی مشخص زندگی میکند و از طرف دولت موجود تابعیت شهروندی به آنان اعطاء شده است، تعریف میکنند (باتامور، ۱۳۶۸: ۱۷۲) عضویت افراد در جامعه مدرن، با موقعیت شهروندی آنان نمایش داده میشود. این موقعیت سبب میشود تا کمک یک فرد خاص به جامعه اش پذیرفته شود و استقلال او حفظ شود. این استقلال در مجموعه ای از حقوق انعکاس می یابد که هر چند از نظر محتوا در زمان و مکان مختلف، متفاوتند اما همیشه به پذیرش کارگزاری و فعالیت سیاسی دارندگان آن حقوق دلالت دارند.

حقوق شهروندی مجموعه ای از حقوق و امتیازاتی است که در نظام حقوقی یک کشور به شهروندان آن با لحاظ کردن دو اصل کرامت انسان و منع تبعیض در جهت فراهم سازی زمینه رشد شخصیت فردی و اجتماعی آنها تعلق می گیرد. مصادیق حقوق شهروندی در اعلامیه جهانی حقوق بشر در ۱۹۴۸ توسط سازمان ملل مشخص گردیده و به تصویب رسید. براساس این سند، دولت های مختلف توافقاتی را در رابطه با حقوق افراد انسانی به انجام رساندند. با این حال احقاق حقوق شهروندی در کشورهای مختلف، با توجه به بسترهای فرهنگی، اجتماعی و حقوقی خاص آنها مسیر متفاوتی را طی کرده و این کشورها را در زمینه تحقق حقوق شهروندی در رتبه های متفاوتی قرار داده است.

کشور ایران و ترکیه علاوه بر نزدیکی جغرافیایی، تحولات تاریخی مشابهی را از سر گذرانده اند و دارای ویژگی های فرهنگی مشترکی هستند. اعتقاد به دین اسلام یکی از ویژگی هایی است که موجب نزدیکی زمینه فرهنگی و اجتماعی این کشورها شده است. از این رو تحقیق حاضر با هدف بررسی وضعیت حقوق شهروندی در دو کشور با پیشینه تاریخی مشابه، حقوق شهروندی را در دو کشور ترکیه و ایران به صورت تطبیقی مورد مطالعه قرار داده و به دنبال آن است که مشخص نماید حقوق شهروندی در این کشورها بر پایه موازین دینی طراحی و اجرا شده است و یا در مصادیق حقوق شهروندی بین المللی ریشه دارد؟

۲. مبانی نظری

شهروندی مفهومی است مرتبط به دولت-ملت سازی های مدرن که شامل تمام افراد دخیل در یک جغرافیا به دور از هرگونه تعلق و تمایز می شود. برای تی اچ مارشال به عنوان آغازگر نگاه جامعه شناختی به شهروندی، بیش از هر چیز نحوه تحقق شهروندی به

^۱Citizenship

^۲Rights

مثابه یک منزلت اعطا شده در بستر دولت - ملت حائز اهمیت بود. با این وجود اگر بخواهیم نگاهی هنجاری به مباحث وی داشته باشیم، هنجار مرکزی نقش شهروندی مدرن که لازمه تحقق منزلت مزبور است را از نظر مارشال می توان در مفهوم شمول و پذیرش جایگاه برابر برای تمامی شهروندان خلاصه نمود. منزلتی که برای مارشال در قالب ابعاد مدنی، سیاسی و اجتماعی تعریف شده بود از این رو مادامی که روند دولت سازی به شیوه درست و تدریجی در کشوری نهادینه نشده باشد، سخن از جایگاه شهروندی و حقوق آن اندکی دور از واقعیت است. (شیانی و صدیقی، ۱۳۷۶: ۹۳) سیرز و وان هبرت در تحلیل ابعاد شهروندی آنها را به چهار مولفه تقسیم بندی می کنند:

بعد مدنی شهروندی:

ارزشهای اساسی جامعه، حدود تصمیمگیریهای دولتی در ارتباط با افراد شهروند، حقوق و تعاملات گروههای ویژه و ذی نفع را مشخص میکند. بعد مدنی شهروندی، عواملی نظیر آزادی در گفتار، برابری در مقابل قانون، آزادی در تعاملات و ارتباطات به معنای عام و همچنین جریان آزادانه دسترسی به اطلاعات را شامل میگردد. اما باید در نظر داشت آگاهی شهروندان به خودی خود و به واسطه تجمع آنها در کنار یکدیگر ایجاد نمیشود، بلکه باید نهادهایی متکفل ایجاد آن باشند. از سوی دیگر تنها داشتن حق و تکلیف و آگاهی از آنها کافی نیست؛ بلکه این حقوق اگر مطالبه نشوند و به راستی به اجرا در نیایند، هیچ معنایی نخواهند داشت. واضح است که آگاهی از این حق، اولین و اساسیترین گام در این راه میباشد. (جانی پور، ۱۳۹۶: ۳۴)

بعد سیاسی شهروندی:

مسائلی شامل حق رأی و مشارکت سیاسی شهروندان است. به عبارت دیگر شهروندی سیاسی، به حقوق و وظایف سیاسی اشاره دارد که در قالب نظام سیاسی تبلور پیدا میکند. مشارکت شهروندان مستلزم عضویت حقوقی در یک جامعه سیاسی بر اساس حق رأی همگانی و همچنین عضویت در یک جامعه مدنی بر اساس حکومت قانون است. به طور کلی مشارکت سیاسی شامل انواع فعالیتهای سیاسی شهروندان از جمله حق رأی، حق دسترسی به مناصب، عضویت در احزاب سیاسی، تظاهرات و اعتراضات و غیره است. (مسعودی نیا و محمدی فر، ۱۳۹۶: ۱۵۲)

بعد اجتماعی - اقتصادی شهروندی

به ارتباط بین افراد در یک موقعیت اجتماعی و همچنین به مشارکت در یک فضای باز سیاسی اشاره دارد. بعد اجتماعی شهروندی مشخص می کند که شهروندان باید قادر باشند که در شرایط و موقعیت های مختلف نیز فعالیت کنند و کنش متقابل داشته باشند. آنها باید قادر باشند در مباحثات و مذاکرات، به منظور مشارکت در زندگی عمومی و فائق آمدن بر مسائل و مشکلاتی که به طور فردی با آن مواجه می گردند، با دیگران گفتگو کنند و در یک فضای محترمانه که همواره شأن انسان و زندگی

اجتماعی در آن مراعات و حفظ می شود، به قضاوت و رفتار یکدیگر احترام و بستر رشد ارزشهای تازه را فراهم نمایند. (محسنی ۱۳۸۹: ۱۲۷)

بعد فرهنگی یا گروهی شهروندان،

به شیوه ای از فرآیند گسترش تنوع فرهنگی اشاره میکنند که با موضوعاتی نظیر توانایی پذیرش فرهنگهای دیگر، مهاجرت جهانی، افزایش تحرک و تغییرپذیری همراه است. شهروندی فرهنگی به آگاهی از میراث عمومی فرهنگی اشاره دارد. اتحاد بین افراد، جنبه های اساسی سرمایه اجتماعی هستند. همانگونه که زیمل (۱۹۵۰) نوشت: اعتماد یکی از مهمترین نیروهای ساختگی در جامعه است. (همان، ۱۲۸) از آنجایی که در بعد فرهنگی شهروندی سرمایه اجتماعی اهمیت می یابد، به ایترتیب سرمایه اجتماعی بر آن دسته از نگرش ها و ارزش های فرهنگی تأکید می کند که شهروندان را به همکاری، تفاهم و همدلی با یکدیگر متمایل می سازد، یعنی رفتار با همدیگر به عنوان همشهریان تا بیگانگان. بنابراین مؤلفه سرمایه اجتماعی از آنجایی حائز اهمیت است که نیروی را به وجود می آورد که باعث همدلی و پیوند اعضای جامعه با یکدیگر می گردند و افراد را از محاسبه گران خودخواه و خودپرست و دارای وجدان اجتماعی و حس تعهد متقابل ضعیف به اعضای جامعه ای که دارای منافع و تصورات مشترک درباره روابط اجتماعی و حس مشترک اند تغییر می دهد. (ادریسی و ذوالفقاری و همتی، ۱۳۹۸: ۲)

آگاهی شهروندان از وجود تفاوت های فرهنگی و پذیرش این تفاوتها از سوی آنان برای حفظ یکپارچگی جامعه می تواند موثر باشد. در جامعه امروز انتظار می رود شهروندانی که اکثریت هستند و شهروندانی که در گروه های اقلیت فرهنگی قرار دارند، ضمن آگاهی از حقوقشان به حقوق یکدیگر احترام بگذارند، به تکالیفی که در جامعه دارند متعهد بوده و به مشارکت در جامعه تمایل داشته باشند و در هنگام توزیع امکانات و تصویب قوانین و اجرای آن و تمایل برای انجام تعهداتشان در جامعه حقی برابر برای همگان قائل شوند. (بخارایی و شربتیان، ۱۳۹۶: ۱۸۳)

در دوران معاصر به طور کلی سه دیدگاه اساسی درباره مفاهیم حقوق بشر و شهروندی وجود دارد:

ساموئل هانتینگتن و حقوق بشر و شهروندی: دیدگاه نخست از سوی ساموئل هانتینگتون ارائه شده است که در آن بر نگاه عمومی یک کشور بر کل کشورها تأکید می شود و رویکرد آمرانه دارد و یک الگو می بایست برای تمام کشورها حاکم گردد.

مدرنیته و حقوق بشر و شهروندی: دیدگاه دیگر مربوط به آبای فکری عصر روشنگری و مدرنیته است. این دیدگاه بر این نکته تأکید می نماید که اصول حقوق شهروندی جهانشمول است و نمی توان از حقوق بشر مربوط به یک کشور یا جامعه سخن گفت.

پست مدرنیته و حقوق بشر و شهروندی: دیدگاه سوم دیدگاهی است که از سوی اعقاب فکری پست مدرنیته اقامه می‌گردد. این دیدگاه آموزه‌های انحصار گرایانه‌ای را در باب ملاحظات حقوق شهروندی ترویج می‌نماید و بر اقتضات زمانی و مکانی تاکید می‌نماید و برای هر کس و جامعه‌ای الگوی خاص خود را می‌پیشنند. (همان، ۱۱)

همچنین طی قرن ۱۷ و ۱۸ فلاسفه و دانشمندانی مثل جان لاک و ژان ژاک روسو توجه زیادی به حقوق طبیعی از خود نشان دادند، تا این که اصول آن به صورت لوایح و اعلامیه‌ها و قوانین اساسی درآمد که اهم آنها تا اوایل قرن ۱۹، به این شرح است.

۱- اعلامیه حقوق انگلستان ۱۶۸۹

۲- اعلامیه حقوق بشر و اتباع فرانسه ۱۷۷۶

۳- دو فقره اصلاحیه قانون اساسی کشورهای متحده امریکا ۱۷۹۱

۴- اعلامیه حقوق مندرج در قانون اساسی ۱۷۹۳ فرانسه که در ببحوجه انقلاب اجتماعی به تصویب رسید و تا حدودی جنبه سوسیالیستی داشت.

۵- اعلامیه حقوق و تکالیف مندرج در قانون اساسی ۱۷۹۵ فرانسه.

۳. روش شناسی

پژوهش حاضر یک پژوهش کیفی است و با توجه به هدف کلی تحقیق حاضر، این مطالعه با رویکرد تطبیقی انجام شده است. روش تطبیقی یکی از مهم ترین و پرکاربردترین روش های پژوهشی در عرصه کلان است. رویکرد تطبیقی که مبتنی بر مقایسه برای فهم مشابهت ها و تفاوت هاست، یکی از قدیمی ترین شیوه های تفکر در اندیشه اجتماعی است. به زعم اسملسر حتی توصیف نیز متضمن مقایسه است (اسملسر، ۲۰۰۳). پژوهش های تطبیقی از بعد یافته های تحقیق، به طور کلی تفسیری و تبیینی هستند. این پژوهش ها معمولاً برای توضیح علل شباهت یا تفاوت میان دو جامعه، تفسیرهای تاریخی، اجتماعی، فرهنگی یا اقتصادی ارائه میدهند. این تحقیق یک مطالعه اسنادی است از این رو روش گرد آوری اطلاعات در این تحقیق به صورت کتابخانه ای است. جامعه آماری تحقیق حاضر شامل کلیه متون حقوقی کشورهای ایران و ترکیه با عطف توجه به حقوق شهروندی می باشد. در این پژوهش به عنوان یک تحقیق اسنادی و کتابخانه ای، ابتدا داده ها از طریق فیش برداری از کتب و مقالات فارسی و انگلیسی مرتبط با موضوع تحقیق، جمع آوری شده و سپس با روش های متناسب مطالعات تطبیقی، مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرند.

شیوه استفاده از روش تطبیقی در این پژوهش، تطبیق بیرونی است. در شیوه تطبیق بیرونی، تغییرات دو یا چند واقعیت متفاوت در طی یک یا چندین زمان، در یک و یا چند جامعه بررسی و شناسایی می گردد. همچنین استراتژی تحقیق پیش رو از نوع استقرایی

بوده که در آن جوامع، فرهنگ ها و مجموعه های گوناگونی در حکم موردهای مطالعه، به منظور درک و شناخت الگوهای معین حاکم بر حیات اجتماعی بررسی می شوند و منظور از مورد، مجموعه یا کلیتی با مرزهای معین است که می تواند ساده یا پیچیده باشد. به نظر فلیک، در مطالعه تطبیقی، محقق مورد را در کلیت و با همه، پیچیدگی هایش مشاهده نمی کند، بلکه موردهای متعددی را از جنبه خاصی مدنظر قرار می دهد (فلیک، ۱۳۸۷: ۱۵۷). روش تجزیه و تحلیل داده های تحقیق نیز مبتنی بر روش تفاوت است. استدلال حاکم بر روش تفاوت این است که هرگاه دو یا چند نمونه (کشور) از یک پدیده تحت بررسی تنها در یک عامل علی - از میان چندین عامل علی ممکن - با یکدیگر متفاوت باشند، آنگاه آن عامل علی که همه نمونه ها در آن با هم اختلاف دارند، علت پدیده تحت بررسی خواهد بود (طالبان، ۱۳۸۴). کاربست روش تفاوت به این معنیست که محقق باید در پی یافتن علت یا علل متفاوت باشد. در این روش محقق مستقیماً به یک علت اشاره نکرده است، بلکه در بدو امر شباهتها را معین میکند و سپس عامل مورد تفاوت را مشخص می سازد.

۴. یافته های پژوهش

شاخص ها یا ملاک ها مهمترین ابزار سنجش وضعیت یک جامعه آماری است این شاخصها در علوم زیستی، ریاضی و فیزیک تنها شاخصهای کمی هستند در حالیکه در حوزه علوم انسانی و اجتماعی نیازمند تعریف نوع دیگری از شاخصها به عنوان شاخصهای توصیفی برای سنجش پارامترهای غیر عددی می باشیم که در مبحث شهروندی مورد تحقیق، سنجش و پیمایش قرار گیرد. استخراج شاخصها نیازمند تحقیق میدانی و نیازسنجی در همه سطوح شهروندان است، لذا عنوان کردن تمامی آنها در این نوشته مقدور نمی باشد. در این پژوهش حقوق شهروندی با تاکید بر دو شاخص حقوق زنان و تامین اجتماعی مورد بررسی قرار می گیرد:

بررسی حقوق زنان در ایران به عنوان شاخص حقوق شهروندی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در موارد مختلف توجه خاصی به حقوق زنان، فراهم کردن امکانات بیشتر برای آنها جهت شرکت در فعالیتهای اجتماعی و حق مساوی آنان با مردان در برابر قانون ضمن قید «با رعایت موازین اسلامی» نموده است. در تاریخ گذشته ایران چون سایر جهان، زنان نقش کمتری در تعیین سرنوشت سیاسی و اجتماعی خود داشتند. مدعیان طرفداری از حقوق زن نیز تلاشهایی انحرافی انجام داده اند و به دلیل ادعاهای غیر منطقی موقعیت مناسبی برای مشارکت زنان در امور سیاسی و اجتماعی ایجاد نکردند اما پس از انقلاب اسلامی و حاکمیت دیدگاه شرعی و اجتهادهای فقهی امام خمینی و سایر فقیهان معاصر، بتدریج زنان در صحنه سیاسی و اجتماعی وارد شدند. در قانون اساسی جمهوری اسلامی، حمایت از حقوق زنان، مورد توجه واقع گردید. در مقدمه قانون اساسی آمده است:

«در ایجاد بنیادهای اجتماعی اسلامی، نیروهای انسانی که تا کنون در خدمت استثمار همه جانبه خارجی بودند هویت اصلی و حقوق انسانی خود را باز می‌یابند و در این بازیابی طبیعی است که زنان به دلیل ستم بیشتری که تاکنون از نظام طاغوتی متحمل شده‌اند استیفای حقوق آنان بیشتر خواهد بود. خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است و توافق عقیدتی و آرمانی در تشکیل خانواده که زمینه‌ساز اصلی حرکت تکاملی و رشد یا بنده انسان است اصل اساسی بوده و فراهم کردن امکانات جهت نیل به این مقصود از وظایف حکومت اسلامی است، زن در چنین برداشتی از واحد خانواده از حالت (شیء بودن) و یا (ابزار کار بودن) در خدمت اشاعه مصرف‌زدگی و استثمار، خارج شده و ضمن باز یافتن وظیفه خطیر و پرارج مادری در پرورش انسانهای مکتبی پیش آهنگ و خود هم‌مرم مردان در میدانهای فعال حیات می‌باشد و در نتیجه پذیرای مسؤلیتی خطیرتر و در دیدگاه اسلامی برخوردار از ارزش و کرامتی والاتر خواهد بود». اینک سیر تحول قوانین و مقررات داخلی در این زمینه را در قانون اساسی و قوانین عادی بررسی می‌کنیم.

قوانین حمایت از حقوق زنان در ایران

اینک سیر تحول قوانین و مقررات داخلی در این زمینه را در قانون اساسی و قوانین عادی بررسی می‌کنیم. در قلمرو قوانین عادی، تأکید ما بر قانون ازدواج مصوب ۱۳۱۰، قانون مدنی مصوب ۱۳۱۳ و قانون حمایت از خانواده و برخی قوانین مصوب پس از پیروزی انقلاب اسلامی خواهد بود:

۱- مشارکت سیاسی و اجتماعی:

در تاریخ گذشته ایران چون سایر جهان، زنان نقش کمتری در تعیین سرنوشت سیاسی و اجتماعی خود داشتند. مدعیان طرفداری از حقوق زن نیز تلاشهایی انحرافی انجام داده‌اند و به دلیل ادعاهای غیر منطقی موقعیت مناسبی برای مشارکت زنان در امور سیاسی و اجتماعی ایجاد نکردند اما پس از انقلاب اسلامی و حاکمیت دیدگاه شرعی و اجتهادهای فقهی امام خمینی و سایر فقیهان معاصر، بتدریج زنان در صحنه سیاسی و اجتماعی وارد شدند. در قانون اساسی جمهوری اسلامی، حمایت از حقوق زنان، مورد توجه واقع گردید. در مقدمه قانون اساسی آمده است:

«در ایجاد بنیادهای اجتماعی اسلامی، نیروهای انسانی که تا کنون در خدمت استثمار همه جانبه خارجی بودند هویت اصلی و حقوق انسانی خود را باز می‌یابند و در این بازیابی طبیعی است که زنان به دلیل ستم بیشتری که تاکنون از نظام طاغوتی متحمل شده‌اند استیفای حقوق آنان بیشتر خواهد بود. خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است و توافق عقیدتی و

آرمانی در تشکیل خانواده که زمینه‌ساز اصلی حرکت تکاملی و رشد یا بنده انسان است اصل اساسی بوده و فراهم کردن امکانات جهت نیل به این مقصود از وظایف حکومت اسلامی است، زن در چنین برداشتی از واحد خانواده از حالت (شیء بودن) و یا (ابزار کار بودن) در خدمت اشاعه مصرف‌زدگی و استثمار، خارج شده و ضمن باز یافتن وظیفه خطیر و پر ارج مادری در پرورش انسانهای مکتبی پیش آهنگ و خود هم‌رزم مردان در میدانهای فعال حیات می‌باشد و در نتیجه پذیرای مسؤولیتی خطیرتر و در دیدگاه اسلامی برخوردار از ارزش و کرامتی والاتر خواهد بود.

این مقدمه نشان دهنده نگرش اسلامی حاکم بر قانون اساسی و قوانین عادی است که خانواده را به‌عنوان یک اصل، مورد توجه قرار داده و زن در خانواده، ضمن بازیافت وظیفه خطیر و پر ارج مادری در پرورش انسانهای مکتبی، در میدانهای حیات اجتماعی و سیاسی نیز فعالیت و مشارکت دارد. در قانون اساسی، زن و خانواده در اصول متعددی مورد توجه قرار گرفته و پر برابری حقوقی و جایگاه بلند انسانی آنان تأکید شده است. این موارد عبارت است از:

۱- در مقدمه توجه ویژه به خانواده که واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است، شده است و فراهم کردن امکانات جهت نیل به این مقصود را از وظایف حکومت اسلامی دانسته است

در بند چهارده از اصل سوم که اهداف جمهوری اسلامی را بیان می‌دارد، چنین آمده است: تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون ۳- اصل دهم چنین است:

از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق اسلامی باشد.

اصل بیستم

همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند. ۵- اصل بیست و یکم

دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد

۱- ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او ۲- حمایت مادران، بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند، و حمایت از کودکان بی سرپرست ۳- ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده ۴- ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی سرپرست ۱- اعطای قیمومیت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آنها در صورت نبودن ولی شرعی

زن در قوانین موضوعه:

قوانین موضوعه در جمهوری اسلامی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی بر پایه فقه امامیه اصلاح با تدوین شده است. در این مدت تعدیل هایی در حمایت از زنان و خانواده به انجام رسیده که در خور تحسین است مانند:

۱- قانون عائله مندی که بر اساس آن زنان مطلقه یا بیوه و یا زنانی که همسر از کار افتاده دارند حق عائله مندی دریافت می کنند. (قانون نظام هماهنگ پرداخت، مصوب ۱۳۷۰/۱۳/۶) | ۲- قانون تأمین زنان و کودکان بی سرپرست. (مصوب ۱۳۷۱/۸/۲۴ و مرداد ۱۳۷۴) | ۳- امکان طلاق از جانب زن با شرط ضمن عقد (قانون مدنی، ماده ۱۱۱۹) | ۴- ممنوعیت ارجاع کارهای سخت و زیان آور به زنان. (قانون کار، ماده ۷۵، مصوب ۱۳۶۹/۸/۲۹) | ۵- ممنوعیت کار شب برای زنان. (قانون کار، مصوب ۱۳۶۹/۸/۲۹) | ۶- ممنوعیت کار برای زنان باردار از ۶ هفته قبل از زایمان تا ۴ هفته بعد از آن، (قانون کار مصوب ۱۳۶۹/۸/۲۹) | ۷- پیش بینی جمعا ۹۰ روز مرخصی با حقوق برای دوران بارداری و زایمان زنان، (قانون کار، ماده ۷۶، مصوب ۱۳۶۹/۸/۲۹) - پرداخت دستمزد مساوی برای زنان و مردان در صورت انجام کار مساوی در شرایط مساوی. (قانون کار، ماده ۳۸، مصوب ۱۳۶۹/۸/۲۹) و نمونه های فراوان دیگر.

بررسی شاخص شکاف جنسیتی

شاخص جهانی جنسی یک شاخص مقایسه‌ای میان دو جنس است که برای اولین بار در سال ۲۰۰۶ توسط انجمن جهانی اقتصاد معرفی شده است. این شاخص تفاوت‌های میان دو جنس را در چهار بعد سیاسی، اقتصادی، آموزش و بهداشت بررسی می‌کند. اهمیت این شاخص در کنار دقت عمل بالا و اعتباری که در میان شاخص‌های جهانی دارد، به دلیل کیفیت اندازه‌گیری آن یعنی اندازه گرفتن فاصله میان زنان و مردان در ابعاد یاد شده است.

شاخص‌های مورد بررسی مجمع جهانی اقتصاد برای تهیه این گزارش، شامل مشارکت اقتصادی و فرصت‌ها، دستاوردهای آموزشی، سلامت و بقا و توانمندسازی سیاسی است. رتبه کشورها بر اساس این شاخص‌ها این امکان را ایجاد می‌کند که در سطح جهان و منطقه و بر مبنای گروه‌های متفاوت اقتصادی، مقایسه‌ای میان کشورهای مختلف صورت گیرد. این شاخص‌ها همچنین برای ایجاد آگاهی جهانی درباره چالش‌هایی که شکاف جنسیتی تعیین شده و همچنین امکاناتی که به دنبال کاهش شکاف جنسیتی پدید می‌آید، مشخص شده‌اند. روش تحقیقی و تحلیل آماری این گزارش با این هدف طراحی شده تا ابزارهایی مؤثر برای کاهش شکاف جنسیتی به دست آید. این روش‌ها از زمان آغاز تدوین این گزارش در سال ۲۰۰۶ تاکنون ثابت مانده است. گزارش مجمع جهانی اقتصاد سال ۲۰۲۰ درباره وضعیت شکاف جنسیتی ۱۵۳ کشور در این گزارش مورد بررسی قرار گرفتند که در این میان ایران در رتبه ۱۴۸ قرار گرفته است. از میان ۱۵۳ کشور، ایران در حوزه مشارکت اقتصادی رتبه ۱۴۷ در حوزه دستاوردهای آموزشی رتبه ۱۱۸ در حوزه سلامت و بهداشت رتبه ۱۳۰ و در حوزه مشارکت سیاسی رتبه ۱۴۵ را به خود اختصاص داده است.

بیشترین مسئله ایران در شکاف جنسیتی در حوزه اقتصاد و سیاست مشاهده می‌شود. معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری در دولت یازدهم و دوازدهم تمرکز جدی روی مشارکت اقتصادی زنان داشته است، زیرا جمعیت زنان حاضر در بخش اقتصاد غیر رسمی نسبت به اقتصاد رسمی بسیار بیشتر است زیرا آنها به دلیل میزان بالا بودن مالیات و بالا بودن هزینه بیمه کردن شاغلان به حوزه اقتصاد غیر رسمی علاقه بیشتری دارند. از سوی دیگر نیز شیوه‌های آمارگیری و گزارش‌گیری در حوزه مشارکت اقتصادی نیازمند بررسی مجددی است که در این زمینه معاونت، کمیته مشترکی میان وزارت کار، معاونت زنان و مرکز آمار تشکیل داده است تا تمام شاخص‌های اشتغال مورد بازنگری جدی قرار گیرد.

بر اساس این گزارش، بیشترین دستاورد جمهوری اسلامی ایران در راستای کاهش شکاف جنسیتی در حوزه آموزش، به‌ویژه در مقطع ابتدایی و بهداشت معرفی شده است. به گفته خانجانی، بررسی وضعیت شاخص‌های ایران در گزارش سال ۲۰۲۰ نشان می‌دهد که ایران در شاخص کلی مشارکت اقتصادی زنان با رتبه ۱۴۷ و در زیر شاخص‌ها همچون مشارکت در بازار کار رتبه ۱۴۸، در کسب مناصب مدیریتی رتبه ۱۱۵ و کسب مشاغل تخصصی رتبه ۱۲۰ در جمع کشورهای با شکاف بالای جنسیتی در حوزه اقتصاد را به خود اختصاص داده است. بررسی دیگر شاخص‌های اقتصادی در این بخش نشان می‌دهد که ایران از نظر میزان کسب درآمد زنان نسبت به درآمد مردان، در جایگاه ۱۴۹ قرار دارد، بر اساس این گزارش، زنان تقریباً یک‌پنجم مردان درآمد دارند.

دومین مؤلفه شاخص مربوط به دستاوردهای آموزشی است که از طریق چهار مؤلفه نرخ باسوادی زنان نسبت به مردان، نرخ زنان نسبت به مردان در ثبت‌نام آموزش ابتدایی، آموزش متوسطه و آموزش عالی محاسبه می‌شود. بر اساس گزارش سال ۲۰۲۰، ایران از نظر شاخص آموزش به رتبه ۱۱۸، از نظر نرخ باسوادی به رتبه ۱۱۲ و در شاخص تحصیلات ابتدایی و متوسطه به ترتیب به رتبه ۱۰۹ و ۱۱۵ دست یافته است. از نظر تحصیلات دانشگاهی نیز رتبه ۱۱۴ را کسب کرده است. در مجموع شاخص‌های آموزشی بهترین وضعیت، مربوط به تحصیلات ابتدایی است.

بر اساس این گزارش، ایران از نظر رتبه کلی در رتبه ۱۳۰، نسبت جنسی رتبه یک و در امید زندگی در رتبه ۱۳۹ قرار دارد. خانجانی با اشاره به مؤلفه مشارکت سیاسی که به شکاف جنسیتی در بالاترین سطوح تصمیم‌گیری سیاسی و از طریق بررسی نسبت زنان به مردان در مؤلفه‌های موقعیت وزارتی، جایگاه پارلمانی و سنوات در اختیار داشتن مهم‌ترین مقام اجرایی (رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر و ریاست دولت) در ۵۰ سال گذشته، تعیین می‌شود، تأکید می‌کند: بررسی این شاخص در گزارش سال ۲۰۲۰ نشان می‌دهد ایران رتبه کلی ۱۴۵ را کسب کرده و در شاخص‌هایی همچون حضور زنان در پارلمان رتبه ۱۱۴، در مناصب وزارتی رتبه ۱۳۲ و در شاخص مناصب مهم اجرایی رتبه ۷۳ را کسب کرده است. در مشارکت اقتصادی نیز رتبه ۱۴۷ را کسب کرده‌ایم که دلیل مهم آن حضور کم‌رنگ زنان در بازار کار (۱۷٫۹ درصد) و نابرابری جنسیتی در میزان درآمد (درآمد زنان در طول سال یک‌پنجم مردان) است.

حقوق زنان در ترکیه به عنوان شاخص حقوق شهروندی

اتحادیه اروپا در گزارش خود درباره روند اصلاحات اروپایی در ترکیه، خشونت علیه زنان و نقض حقوق زنان را کانون توجه خود قرار داد. به گزارش پایگاه تحلیلی - خبری ایران بالکان به نقل از AB در گزارش اتحادیه اروپا آمده است: پلیس ترکیه به زنانی که مورد خشونت واقع شده اند توصیه می کند به خانه خود باز گردند، قضات دادگاه ها نیز برای صدور حکم حفاظت زنان قربانی خشونت از آنها اسناد و مدارک غیرقابل قبول درخواست می کند. در فصل "حقوق زنان و مساوات جنسیت" آمده است:

- بعد از انتصاب وزیر امور خانواده و سیاستهای اجتماعی، روابط تشکلی های زنان NGO (سازمان های مردم نهاد غیر انتفاعی Non Governmental Organization) با دولت ترکیه افزایش یافته است.

- نقض مساوات جنسیتی، مسئله پیشگیری از اعمال خشونت علیه زنان، مسئله جنایات ناموسی علیه زنان، ازدواج اجباری دختران کم سن و سال به عنوان معضلات مهم ادامه دارد.

- اسناد و آمار نشان می دهد که خشونت علیه زنان و قتل آنان افزایش یافته است. زنان فراوانی در منزل مورد خشونت قرار گرفته و به کلانتری و پلیس مراجعه کرده اند و پلیس به جای حفاظت از زنان آسیب دیده آنها را توجیه می کند که به منازل خود بازگردند.

- تعداد زنان شرکت کننده و حاضر در سیاست، آموزش، ادارات عمومی و کسب مقامات عالی رتبه سیاسی و اجتماعی نظیر استانداران، رهبران احزاب سیاسی و سندیکاها بسیار کم است.

- زنان عموماً در شرایط نامناسب، محروم از تامین و بیمه اجتماعی و حتی بدون دریافت دستمزد به کار اشتغال دارند.

- تعداد و ظرفیت دادگاههای خانواده بسیار کم و ناکافی است، دادگاههای خانواده در برخی از پرونده های شکایات نمی توانند به قربانیان خشونت کمکی کنند.

اصل دهم قانون اساسی ترکیه اعلام می دارد: افراد بدون توجه به زبان، نژاد، رنگ، جنسیت، اندیشه سیاسی، اعتقاد فلسفی، دین و مذهب، و در مقابل قانون برابرند و هیچ فرد و خانواده و گروه و صنفی در مقابل قانون از امتیاز خاصی برخوردار نمی باشد. نهاد های دولتی و مقامات اداری موظفند در کلیه امور و بهره مندی از هر نوع خدمات عمومی در مقابل قانون منطبق با اصول برابری عمل نمایند.

زنان و مردان از حقوق برابر برخوردارند. دولت موظف است این برابری را با وضع قانون تامین نماید. (fa.wikisource . org)

(//wiki

سیمای زنان در رسانه های کشور ترکیه

از آنجایی که رسانه‌ها تاثیر زیادی بر الگوهای رفتاری، ارزش‌ها و هنجارهای جامعه می‌گذارند، کشور ترکیه اصلاحات مهمی بر قوانین در خط مشی خود با اصول مشخص شده در "سی ای دپلیو" داشته و اکثر این برنامه‌های مشخص شده در حوزه رسانه‌ها بنام "قانون تاسیس شرکت‌های رادیو و تلویزیون و پخش آنها" با شماره ۳۹۸۴ می‌باشد. علاوه بر این عمدتاً چند ابتکار در مقیاس کوچک هم توسط نهادهای عمومی و هم چنین به عنوان مثال "کی اس جی ام" با انجمن روزنامه نگاران ترکیه و صندوق جمعیت ملل متحد برنامه‌ای برای ترکیب جنسیتی در برنامه‌های رسانه‌های محلی در ۱۲ استان انجام داد. انجمن صنفی روزنامه نگاران ترکیه سالانه، رقابت‌هایی برای روزنامه نگاران جوان در مورد زنان و برابری جنسیتی به منظور مبارزه با روش کلیشه‌سازی مردان و زنان و برای تقویت مواضع زنان در رسانه‌ها برگزار می‌نماید. (بدوی و نصیری، ۱۳۹۲: ۴۸)

*: The cw television net work یک شبکه تلویزیونی آمریکایی است.

طی تحقیقی که در زمینه خشونت بر علیه زنان توسط سازمان DSGM همراه با حمایت سازمان ملل در ۴ روزنامه محلی ترکیه در سال ۲۰۰۸-۲۰۰۷ صورت گرفت، حاکی از آن است که خشونت محلی بر علیه زنان بیشتر از آن که به عنوان یک مسئله اجتماعی از نظر قانونی مطرح شود، بیشتر به عنوان یک مسئله فردی بدان پرداخته می‌شود. این درحالیست که بیشتر این اخبار نیز معمولاً در صفحه سوم روزنامه‌ها درج شده بود. بنابراین درصد سیاست‌گذاری‌های خبری در جهت جلوگیری از خشونت علیه زنان بسیار پایین است. بنابراین اشاعه اخبار در مورد زنانی که از حقوق بشر محروم شده اند رو به افزایش است، به خصوص با استفاده از ادبیاتی که این رفتارها را قانونی جلوه می‌دهد. بر اساس تحلیل محتوایی صورت گرفته مطبوعات غالباً موارد خشونت علیه زنان را سانسور می‌نمایند و با استفاده از موارد انسانی و ایجاد شعارهای مناسب آن را به گونه‌ای دیگر نشان می‌دهند که باعث می‌شود افراد جامعه بر اساس آن در مورد زنان قضاوت نمایند. (همان، ۴۹) نادیده گرفتن زنان در رسانه‌ها، نمایش زنان در نقش‌های پست و یا ترویج نقش‌های کلیشه‌ای شده از آنان قابل توجه است. اغلب زنان دو برابر بیش از مردان به عنوان قربانیان) ۱۹ درصد در مقابل ۹ درصد (نمایش داده شده اند. در ترکیه نتایجی بدست آمده است که سر تیترا اخبار درباره زنان ۳۲,۳ درصد، در مورد مردان ۲۱,۶ درصد و ۱۷,۴ درصد در مورد جرم جنایت و خشونت نسبت به زنان و ۲۲,۲ درصد، خشونت نسبت به مردان به تصویر کشیده شده است. تصویر مرد به عنوان یک "دلاور، حافظ، مدافع" بر تصویر زن به عنوان "ضعیف، متکی، منفعل" برتری دارد.

بررسی شاخص شکاف جنسیتی در ترکیه

ترکیه در شاخص شکاف جنسیتی در سال ۲۰۲۰ رتبه ۱۳۰ ام را دارد. موقعیت زنان در ترکیه، موقعیتی متناقض است. در دهه اخیر در دانشگاه‌ها، در دستگاه قضایی یا در حوزه مالی، زنان شاغل به لحاظ عددی اکثریت را دارند و در رده‌ی مدیریت نیز حضوری چشمگیر یافته‌اند. زنان به عنوان استاد دانشگاه در سال تحصیلی ۲۰۰۸-۲۰۰۹ در ترکیه ۲۷,۴ درصد بوده که در سال ۲۰۱۷-۲۰۱۸ به ۳۱,۲ درصد افزایش یافته است. در سال ۲۰۲۰ شمار استادیارهای زن در ترکیه نیز ۳۸,۸ درصد افزایش یافته است. همچنین طبق

داده‌های وزارت امور خارجه ترکیه در سال ۲۰۰۹، ۱۰٫۸ درصد سفرا زن بودند که در سال ۲۰۱۹ به ۲۲٫۱ درصد رسیده است. میزان زنان مسئول در بخش مدیریتی شرکت‌ها نیز از ۱۴٫۴ درصد در سال ۲۰۱۲ به ۱۷٫۳ در سال ۲۰۱۸ افزایش یافته است.

در حال حاضر پارلمان این کشور شاهد حضور ۴۸ نماینده زن است. ترکیه پیش‌تاز اعطای حق رأی به زنان در سال ۱۳۰۹ است که در دوره آتاتورک و به دستور وی تصویب شد. ایران هم وضعیت مشابهی در این زمینه با ترکیه دارد. به این معنا که برخی انقلاب مشروطه را ریشه فضای باز سیاسی در دهه‌های ۲۰ و ۳۰ و سرانجام اعطای حق رأی به زنان در دهه ۴۰ می‌دانند، اما در ایران مانند ترکیه بیش از آن که شاهد ظهور جنبش‌های برابری طلبانه باشیم، این عمل ناشی از سیاست‌های شاه در انقلاب سفید است. شاه به دلایل سیاسی و اقتصادی و برای عقب نماندن از قافله مدرنیسم، حق رأی زنان را در کنار برنامه‌های خود قرار داد. در ترکیه نیز اتفاقات، مشابه بود، حق رأی در حالی به زنان اعطاء می‌شد که ساختار سیاسی به شدت مردانه بود. علیرغم حق رأی به زنان، ساختار و پایه‌های سنتی موانع جدی بر حضور برابر آنان در اجتماع و سیاست ایجاد می‌کنند.

وضعیت تامین اجتماعی در ایران به عنوان شاخص حقوق شهروندی

بر طبق اصل ۲۹ قانون اساسی: «برخورداری از تامین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کار افتادگی، بی سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره حقی است همگانی. دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک فرد کشور تامین کند. در قانون، ارکان نظام جامع تامین اجتماعی ایران به شرح زیر مقرر شده است ۱: شورای عالی رفاه و تامین اجتماعی؛ ۲. وزارت رفاه و تامین اجتماعی؛ ۳. تشکل‌های مجری حوزه‌های تامین اجتماعی؛ اما مهمترین سازمان اجتماعی در ایران که در حوزه بیمه و درمان فعالیت دارد، سازمان تامین اجتماعی است. این سازمان در تاریخ ۲۸/۰۴/۱۳۹۵، طبق مصوبه شورای انقلاب نام صندوق تامین اجتماعی به سازمان تامین اجتماعی تغییر یافت که تاکنون با همین نام اجرای وظیفه می‌کند. در حال حاضر، سازمان تامین اجتماعی با حفظ استقلال مالی و اداری خود، یکی از سازمان‌های وابسته به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی است (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۳).

سازمان برای اجرای وظایف خود دارای تشکیلات مرکزی، واحدها، شعب و نمایندگی‌هایی در تهران و شهرستانها خواهد بود (ماده ۲ اساسنامه سازمان تامین اجتماعی). این سازمان اجتماعی دارای شخصیت حقوقی مستقل از دولت است و صرفاً تحت نظارت عمومی دولت قرار می‌گیرد. همچنین در چارچوب وظایف و اختیارات مندرج در اساسنامه نهاد و نیز قوانین و مقررات عمومی در مقابل رئیس جمهور، دولت، ارکان پیشینی شده در اساسنامه و دستگاه‌های نظارتی، مسئول است و از طرفی، حدود وظایف و اختیارات آن به موجب قانون تعیین میشود و برای اجرای وظایف خود میتواند مؤسسه یا شرکت ایجاد کند (مرکز پژوهش‌های مجلس

شورای اسلامی، ۱۳۸۳). قوانین و مقررات تأمین اجتماعی در ایران: قانون تأمین اجتماعی در سال ۱۳۵۴ تصویب شد و شورای انقلاب در سال ۱۳۵۸ موادی از آن را مورد تجدید و اصلاح قرار داد و سازمان تأمین اجتماعی را مکلف کرد که طرح اصلاحی قانون تأمین اجتماعی را ظرف مدت شش ماه تهیه و به هیئت وزیران تقدیم کند. به علاوه، با تصویب قانون اساسی، جایگاه حقوقی تأمین اجتماعی، در قوانین موضوعه ایران ارتقاء یافت؛ زیرا در قانون اساسی، قانون تأمین اجتماعی به‌عنوان حقی که همگان باید از آن برخوردار شوند، شناسایی و مورد تصریح قرار گرفت. نگاهی کوتاه به قوانینی که در دوران مذکور تصویب شده است، این واقعیت را روشن میکند که در آن سالها از یکسو، دامنه تعهدات سازمان تأمین اجتماعی گسترش یافت و از سوی دیگر، با تصویب قانون الزام سازمان تأمین اجتماعی به اجرای بندهای الف و ب ماده ۳ قانون تأمین اجتماعی، مصوب ۲۱/۸/۱۳۶۸ تولید درمان نیز بر عهده سازمان گذاشته شد. قانون اساسی در ایران، تأمین اجتماعی را به‌عنوان یکی از حقوق اساسی ملت اعلام کرده بود و از دولت انتظار میرفت که با تصویب قوانین مناسب، زمینه اجرای اصول قانون اساسی را در مورد تأمین اجتماعی فراهم کند (موسی زاده، ۱۳۹۲).

الگوی تأمین هزینه های رفاهی در ایران:

به طور کلی منابع سازمان طبق ماده (۲۸) قانون تأمین اجتماعی بر حسب نوع درآمد، شامل درآمدهای حاصل از وصول حق بیمه، سود حاصل از سرمایه گذاری ها و ذخایر، خسارات و جرایم، کمکها و هدایا و سایر درآمدها است که سازمان میبایست بر اساس این درآمدها به افراد تحت پوشش خود مزایا پرداخت کند. سه جانبه گرایی مفهومی است که در ماده ۸ قانون بیمه های اجتماعی مصوب سال ۱۳۴۷ بر آن تأکید شده است (حسین زاده، ۱۳۸۶). بر اساس ماده ۲۸ تأمین اجتماعی حق بیمه از اول مهر ماه تا پایان سال ۱۳۵۴ به میزان ۲۸ درصد مزد و یا حقوق است که ۷ درصد آن به عهده بیمه شده و ۱۸ درصد به عهده کارفرما و سه درصد به وسیله دولت تأمین خواهد شد. از اوایل سال ۱۳۵۵ حق بیمه کارفرما بیست درصد مزد یا حقوق بیمه شده خواهد بود و با احتساب سهم بیمه شده و کمک دولت حق بیمه به سی درصد مزد حقوق افزایش میابد. دولت نیز مکلف است حق بیمه ی خود را به طور یکجا در بودجه سالانه کل کشور منظور و به سازمان پرداخت کند.

راهبردهای تأمین اجتماعی در ایران راهبرد بیمه ای:

دولت در طی سالهای ۸۴ به بعد با بهره گیری از ساز و کارهای بیمه های در صدد اعمال حمایت های وسیع و گسترده های در راستای تأمین اجتماعی بر آمد. راهبرد حمایتی: فعالیتهای اصلی نظامهای حمایتی عبارتند از خدمات اجتماعی، خدمات توانبخشی، خدمات کارآموزی و باز پروری، خدمات پیشگیری، خدمات درمانی حمایت از خانواده شهدا و آزادگان و جانبازان انقلاب اسلامی، کمک به تأمین معاش خانواده های فقیر و بیسرپرست و کم درآمد و از کار افتاده، خانواده های زندانیان و معتادان، کمک به تأمین امکانات آموزشی و تحصیلی، کمک به تأمین هزینه های درمانی و حمایت و مراقبت و توانبخشی معلولین ذهنی و جسمی و روانی (نصیری، ۱۳۸۲) راهبرد حمایتی در ایران از سوابق و پیشینه کی تاریخی طولانی و اهداف و مشخصه های هدفمند و سازمانیافته ای، نظیر

راهبرد بیمه‌های اجتماعی، برخوردار نبوده و فعالیتهای اصلی نظام مذکور عمدتاً به‌صورت نامنسجم و پراکنده و در اکثر موارد در قالب کمکهای مردمی و الگوهای سنتی شکل گرفته است (پناهی، ۱۳۸۴).

راهبرد امدادی:

شامل امداد برای حوادث غیر مترقبه طبیعی همچون سیل، زلزله و حوادث غیر طبیعی همچون جنگ و غیره میشود (تاجبخش، ۱۳۸۲). (مؤسسه‌های اصلی در اجرای برنامه‌های حمایتی و امدادی عبارتند از: کمیته امداد امام خمینی سازمان بهزیستی، بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی، بنیاد شهید انقلاب اسلامی، بنیاد ۱۵ خرداد، هلال احمر (پناهی، ۱۳۸۴)؛ این مؤسسات، بنا به تعریف ماده ۵ قانون محاسبات عمومی، از مؤسسات و نهادهای غیردولتی هستند که با وجود استقلال از دولت در مفهوم قوه مجریه، به حکم قانون عهده‌دار بخشی از وظایف حاکمۀ دولت در امر رفاه اجتماعی شده‌اند (نصیری، ۱۳۸۲). (بر آن، برنامه‌های یارانهای دولت در حوزه برنامه‌های حمایتی و امدادی نقش بسیار مهم و چشمگیری را بر عهده دارد. ضمناً در ایران در تمامی بخشهای دخیل نوعی تمرکزگرایی بسیار شدید در محیطهای سیاستگذاری و اجرا وجود دارد، تلفیق این دو رویکرد موجب شده تا اکثر دستگاهها بهجای سیاستگذاری به اجرا پردازند. علاوه بر این، با این رویکرد متمرکز پاسخگویی به نیازهای محلی نیز دچار مشکل شده است. میزان و عمق دولت در حیطه‌های بیمه‌ای، حمایتی و امدادی در ایران نامشخص است (زارع و اسدی، ۱۳۹۰).

وضعیت تامین اجتماعی در ترکیه به عنوان شاخص حقوق شهروندی

پس از استقلال مالی و اداری مؤسسه تامین اجتماعی که نهاد حقوقی عمومی است و توسط قانون شماره ۵۵۰۲ و سایر قوانین خصوصی تأسیس شد، این سازمان وابسته به وزارت کار و امور اجتماعی به‌شمار آمده و مجری اجرای مفاد قوانین و سایر اقدامات شایسته شد. در ترکیه وزارت کار و تامین اجتماعی نظارت کلی را بر عهده دارد. سازمان تامین اجتماعی از طریق دفاتر شعب و مؤسسات درمانی امور اجرایی را بر عهده دارد. وزارت بهداشت ترکیه مسئول ارائه خدمات سلامت، مراقبتهای پیشگیرانه از بیماریها و ارائه امکانات و خدمات به بیمارستانها میباشد، همچنین تدوین سیاستهای توسعه و پیشرفت خدمات سلامت و بهداشت و نظارت بر بخشهای اجرایی، نظارت و قیمتگذاری تجهیزات پزشکی بر عهده این وزارتخانه است سازمان بهداشت (اشمیت، لیرس، آبینگر و سیلکوف، ۲۰۱۵). (هدف از تأسیس سازمان تامین اجتماعی و دیگر مؤسسات مرتبط اطمینان از کارآمد بودن، برخورداری عادلانه شهروندان از خدمات مربوطه، دسترسی آسان و مطابق بودن ارائه خدمات با استانداردهای جهانی میباشد (قانون ۵۵۰۲ سازمان تامین اجتماعی ترکیه).

سیستم تامین اجتماعی با «قانون مؤسسه تامین اجتماعی «به شماره ۵۵۱۰، استانداردسازی و به ساختاری پایدار و برابر، دسترسی یافته است. ماموریت SGK در چارچوب این اصلاحات، بدین صورت می باشد: ارائه خدمات به شهروندان از بدو تولد تا پایان حیات و نیز ارائه خدمات در زمینه های سلامت، بیمه و حوزه کمک های اجتماعی.

SGK دیدگاه خود را چنین توصیف می کند: «به عنوان نهادی قابل احترام که خدمات تامین اجتماعی موثر، سریع و باکیفیت را در قالب مفهوم «خدمات شهروندی محور» ارائه کرده، اعتماد جامعه را جلب و توازن لازمه را ایجاد می کند»

وظایف SGK در ماده ۳ قانون شماره ۵۵۰۲ چنین توصیف شده است:

- اجرای سیاست های تامین اجتماعی و تلاش برای توسعه این سیاست ها با در نظر گرفتن استراتژی و سیاست های توسعه ملی و برنامه های اجرای سالانه
- آگاه سازی، تسهیل در استفاده از حقوق و انجام تعهدات افراد حقیقی و حقوقی ای که به آنها خدمات ارائه می شود
- نظارت بر تحولات بین المللی، همکاری با اتحادیه اروپا و سازمان های بین المللی، انجام مطالعات لازم در مورد توافقنامه
- تامین اجتماعی با کشورهای خارجی و اجرای مناسب معاهدات بین المللی در موضوعات مرتبط با تامین اجتماعی
- ایجاد هماهنگی و همکاری بین ادارات دولتی در حوزه تامین اجتماعی

خدمات موسسه تامین اجتماعی SGK

سیستم تامین اجتماعی در ترکیه، مواردی چون: تصادفات و بیماری های شغلی، بیماری، زایمان، بیمه های کوتاه مدت، معلولیت، مرگ، پیری و بیمه طولانی مدت را، تحت پوشش خود قرار می دهد. (makaleler)

زیرحوزه های تامین اجتماعی در ترکیه:

سازمان تامین اجتماعی ترکیه به افراد تحت پوشش مزایای بیمه های از جمله، بیماری، بارداری، حوادث ناشی از کار در دوران کوتاه مدت و از کار افتادگی، بازنشستگی و بازماندگان در دوران بلندمدت، همانند خدمات ارائه شده در بیمه بهداشت جهانی ارائه میدهد (قانون ۵۵۱۰ سازمان تامین اجتماعی ترکیه). این سازمان مدیریت مزایای نقدی را از طریق شعب و خدمات مربوط به دارو و درمان را از طریق توافق با بیمارستانها و داروخانه ها انجام میدهد. بیمه خدمات درمانی در کشور ترکیه، از طریق بیمه اجتماعی این کشور توسط دو مؤسسه بیمه اجتماعی کارگران و بیمه اجتماعی خویش فرمایان ارائه میشود.

راهبردهای تامین اجتماعی در ترکیه :

نظام جامع تامین اجتماعی در ترکیه شامل سه حوزه میباشد: حوزه بیمه های: شامل بخش بیمه های اجتماعی از جمله بازنشستگی، بیکاری، حوادث و سوانح، از کارافتادگی و بازماندگان و بخش بیمه های درمانی بهداشت و درمان میباشد. حوزه حمایتی و توانبخشی:

شامل ارائه خدمات حمایتی و توانبخشی و اعطای یارانه و کمکهای مالی به افراد و خانوادههای نیازمندی است که به دلایل گوناگون قادر به کار نیستند یا درآمد آنان تکافوی حداقل زندگی آنان را نمیکند .

حوزه امدادی:

شامل امداد، نجات در حوادث غیرمترقبه (شورای پژوهشی مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، ۱۳۷۸). (کشور ترکیه در هر سه حوزه فوق که مورد بحث قرار گرفت به انجام کارهای اساسی و بنیادی به جهت ارائه رفاه به شهروندان ترکیه انجام پرداخته است و تا حد امکان از امکانات داخلی و خارجی در این زمینه استفاده کرده است.

۵. تجزیه و تحلیل داده ها

در بررسی و مقایسه داده های صورت گرفته در دو کشور که بخش بسیار مهمی از پژوهش است، در واقع ما به طرح سوال اصلی می پردازیم و سپس در راستای پاسخگویی به سوال اصلی خود، فرضیه اصلی خود را با مقایسه و تجزیه تحلیل عقلانی و محک عقل و تجربه اثبات می نمایم .

حقوق بشر میراث بشریت است و اختصاص به گروه یا قوم یا ملت معینی ندارد و همه انسان ها و دولت ها باید در تکوین و پیشرفت آن تلاش کنند تا باعث ارتقاء حقوق انسان ها و پایه ریزی صلح و تفاهم بین المللی باشد. حقوق شهروندی که پیشینه آن بسیار فراتر از ایده نوین حقوق بشر است، با توجه به مفهوم جامعه مدنی و شخصیت یافتن جهانی انسانها در چارچوب رهیافت حقوق بشر جهانشمول رنگ و بویی تازه یافته و نوعی رویکرد ویژه به حقوق بشر انگاشته می شود. (امیری، ۱۳۹۵: ۷۲)

در آموزه های اسلامی به عنوان آخرین، جوانترین و کاملترین دین توحیدی که بر حقانیت رسالت انبیاء سلف نیز مهر تایید نهاده است، رهنمودهای مهم و اندیشه برانگیزی در حوزه حقوق فردی و شهروندی وجود دارد. در خصوص اهمیت این موضوع همین بس که پیامبر اسلام (ص) تکمیل فضایل اخلاقی را انگیزه اصلی بعثت خود برشمرده اند و فرمودند: "انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق" (احمدی طباطبایی، همان، ۶)

پس در واقع اهتمام و رعایت حقوق بشر و شهروندی در قاموس قانون اساسی کشور و رفتار حاکمان در جمهوری اسلامی ایران، الگو گرفته از سیره بزرگان دین، حداقل بطور صوری هم جای هیچ شک و تردیدی باقی نگذاشته است. اما در خصوص مفهوم تعلق جامعیت شهروندی و ابهامات قانونی و نبود جزئیات قانونی، که در ایران وجود دارد با تفاسیر سلیقه ای که در این خصوص موجود است به حقوق شهروندی آنچنان که شایسته است پرداخته نشده است .

در خصوص کشور ترکیه باید اذعان داشت، حقوق بشر و شهروندی در ترکیه تا قبل از الحاق این کشور به اتحادیه اروپا به صراحت و بی پروا شاهد نقض حقوق اقلیتهای قومی - مذهبی و همچنین محدود نمودن عرصه سیاسی شهروندی به جهت کودتاهای متعدد بوده ایم، اما در عوض اراده ملی برای ورود به اتحادیه اروپا برای ترکیه موهباتی را به همراه داشته است. ترکیه در سایه این موهبات مدرن شده، از پیشرفته ترین تکنولوژی های اروپائی برخوردار شده است، در صنعت پیشرفت کرده و توانسته بازارهای اروپا را بدون تعرفه در دست بگیرد. تعهدات حقوق بشری ترکیه از جایی آغاز شد که کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، ترکیه را در حوزه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر قرار داد. ترکیه در سال ۱۹۸۷ این حق را به رسمیت شناخت که اتباعش بتوانند مستقیماً از عملکرد دولت به دادگاه اروپایی حقوق بشر شکایت کنند. در این راستا شکایتهایی که شهروندان ترکیه از دولت خود کردند ۳۳۱ مورد توسط دادگاه اروپایی حقوق بشر منتهی به حکم علیه دولت ترکیه شده و رای صادر گردیده است. لغو مجازات اعدام، رعایت حقوق اقلیتهای قومی - مذهبی و رعایت آزادی بیان و مطبوعات و عدم مداخله نظامیان در عرصه سیاسی در ترکیه از جمله تمکین ترکیه در قبال موازین حقوق بشر و شهروندی اتحادیه اروپا بوده است. (تقی پور، ۱۳۹۳)

در خصوص برنامه های که در ایران در خصوص حقوق شهروندی در بخش اجرایی صورت گرفته کم نیستند، لیکن آنچه در این بخش قابل اهمیت است، نگاه به مجموعه های برنامه ای نوشته و تدوین شده و بعد هم مقایسه آن با کشور ترکیه حائز اهمیت است. در برنامه اول و سوم توسعه ای جمهوری اسلامی ایران، پس از انقلاب هدف به صورتی نسبتاً محدود در خدمت تقویت زمینه و بستر سازی شهروندی بوده است. و به هر حال بر جهت گیری برخی از اقدامات دولت تاثیر گذار بوده است. در این مدت بیشتر به رفاه اجتماعی توجه شد و در دوره آقای خاتمی بیشتر به تمرکز سیاستها به سمت شهروندی مدنی و سیاسی سوق داده شد. (توسلی و نجاتی، همان: ۵۴) در کشور ترکیه هویت تقدس یافته و برتری بخش ساختار سیاسی به عنوان یکی از موانع روند دموکراتیزاسیون و تحکیم آن در دوره حاکمیتی حزب عدالت و توسعه به ویژه در دوره سوم یعنی سالهای ۲۰۱۳ به بعد محسوب می شود که تنها راه رهایی از این مانع گردش نخبگان به ویژه نخبگان و رهبران حکومتی است، امری که متأسفانه در نظامهای سیاسی شبه اقتدارگرا و دموکراسی های تفویضی کمتر معمول است. (صادقیان و رهبر، ۱۳۹۷: ۲۴۷)

۶. نتیجه گیری

ستمها و نارواییهایی که بر جامعه زنان تحمیل می شد، قانونگذاران بین المللی و داخلی را به این جهت سوق داد که قوانین و مقرراتی برای جلوگیری از این ستمها وضع کرده، از حقوق زن حمایت و او را در تمام زمینهها با مرد یکسان و مساوی قرار دهند. این قوانین که با توجه به مبنای فلسفی خاص خود، در مغرب زمین مطرح گردید در جوامع دیگر با مبنای فلسفی و زیربنایی متغایر با غربیان، بطور کلی مورد پذیرش قرار نگرفت. قوانین ایران در زمینه حقوق زن به مقدار زیادی، مبتنی بر فقه اسلام با گرایش مذهب

امامیه است. در نظام حقوقی اسلام، مخاطبین احکام و قوانین انسانها هستند و مقررات دینی اختصاصی به مرد یا زن ندارد. (آیات ۳۵ و ۳۶ سوره احزاب، آیه ۱۹۵ آل عمران و آیه ۱۲ - ۱۰ سوره تحریم).

بنابراین در تمام مقرراتی که موضوع آنها انسان بما هو انسان است تفاوتی بین زن و مرد وجود ندارد. اما در برخی مقررات که انسان با توجه به ویژگی خاص او مخاطب حکم قرار می‌گیرد، به ویژگی و خصوصیات مادی، معنوی و اوضاع و احوال و شرایط زمانی و مکانی توجه می‌شود. در واقع تفاوت در این ویژگی‌ها و خصوصیات طبیعی سبب وضع احکام و مقررات متفاوت و غیرمشابه می‌شود. «ریشه تفاوت یا عدم تشابه میان زن و مرد، «تناسب» است نه ناقص بودن یکی و کمال دیگری. قانون خلقت خواسته با این تفاوتها تناسب بیشتری میان زن و مرد برای زندگی مشترک بوجود آورد.» (۳۲)

قانون‌گذاران نیز با توجه به شناخت ویژگی‌های خاص انسانها به منظور هماهنگی و تناسب میان آنها برخی تفاوت‌های جزئی را پذیرفته است. زنان ایرانی تا پیش از مشروطیت در یک وضعیت سنتی به سر می‌بردند و در جامعه جایگاهی برای زنان وجود نداشت. در این زمان گروه اندکی از زنان تحصیل کرده که بیشترشان وابسته به طبقات بالای جامعه بودند، حرکت‌هایی را در راستای کسب حقوق زنان انجام دادند. اما این فعالیتها کافی نبود و اکثریت زنان هنوز از حقوق مسلم خود آگاه نبودند و به دلیل عدم آگاهی، زندگی سنتی نزد ایشان مقبول تر می‌نمود.

در عصر پهلوی، با توجه به خفقان حاکم و درافتادن رضاشاه با مذهب و روحانیون، به رغم گام‌های مثبتی که به لحاظ شرایط خاص جهانی در جهت آموزش زنان برداشته شد، مقوله کسب حقوق زنان مفاهیم دیگری یافت. این روند در دوره محمدرضاشاه نیز ادامه یافت و جمعیت اندکی از زنان که به مراتب بالا می‌رسیدند و مسئولیتهایی را برعهده می‌گرفتند، چه بسا به دلیل وابستگی به دربار نمی‌توانستند نماینده طیف گسترده زنان باشند.

نقش زنان در دوره انقلاب و پس از آن در دوره هشت سال دفاع مقدس، غیرقابل انکار است. زن ایرانی این بار با حضور خود در صحنه انقلاب دو هدف داشت: اعتراض به وضع موجود و درخواست تحولی بنیادین در دیدگاه‌های حاکم بر جامعه در مورد زنان.

امام خمینی به نقش زنان و حضور آنها در اجتماع اهمیت زیادی می‌داد. نقش جدید زن در قالب اسلام و الگوگرفتن از حضرت فاطمه (س) مفهوم می‌یافت. زنان در دوره دفاع مقدس ثابت کردند نقش مهمی را به عهده گرفته‌اند، چه بسا اگر همراهی آنان نبود، هیچ تحولی به موفقیت ختم نمی‌شد. امام خمینی با اشاره به نقش کلیدی زنان می‌فرماید: «... آنچه ما امروز داریم، از زنان داریم...»

در پی توجه به مقوله آموزش زنان، آنها به مرور خواستار بهبود وضعیت خود و کسب برخی حقوق احقاق نشده خویش هستند. در دوره پس از انقلاب، تلاشهای زیادی برای ایجاد موقعیت بهتر برای زنان انجام شد و حتی زنان توانستند برخی مسئولیتهای کلیدی جامعه را به دست گیرند. با این کار، زن ایرانی توانست تواناییهای خود را در اجتماع نشان دهد و ثابت شد که

موضوع فعالیت سیاسی زن از دیدگاه اسلام با نوسازی اندیشه اسلامی معاصر مغایرتی ندارد و خروج امت اسلامی از حالت بحرانی امروز جز با مشارکت فعالانه زن در اصلاح و توسعه امکان‌پذیر نیست.

حضور فعال زنان ایرانی در عرصه‌های مختلف، خط بطلان بر اندیشه‌های ارتجاعی کشید و نشان داد که اسلام و به‌ویژه فقه شیعه بهترین دفاع را از حقوق زنان به عمل می‌آورد. از این رو باید گفت مشارکت زنان در اجتماع در واقع نیازمند درکی نو از واقعیت‌های موجود است.

۱- در قرآن و نصوص دینی، اصل و مبنای آفرینش انسان‌ها و اعطای حقوق بدانها بر مبنای حقیقت آدمی و شوون انسانی انسان‌ها است و جنسیت نقشی در اعطای حقوق فطری و طبیعی ندارد نتایج مطالعات نشان داد که در نظام حقوقی اسلام، زن از هویتی مستقل برخوردار است و تمامی حقوق اساسی و مدنی او مورد توجه قرار گرفته و شواهد زیادی در آیات و روایات و قوانین جمهوری اسلامی ایران مبنی بر این مسئله وجود دارد؛ ولی در جوامع امروزی غرب، تحت لوای شعارهای فمینیستی، شخصیت زن کاملاً برابر با مرد دانسته شده، بی آن که به تفاوت‌های فیزیولوژیکی آنها توجه شود.

۲- یکی از مواضع اصولی اسلام، جانب‌داری آن از "علم و علم‌آموزی و گسترش دانش‌افزایی در بین بانوان است. در اسلام در این مورد نیز بر اساس ویژگی‌های روحی و جسمی زن و مرد، نوع آموزش و هدف آن تعیین شده است تا از فرصت‌ها و امکانات بهره‌وری بهینه صورت پذیرد، در حالی که این مسئله از چشم ناظران بین‌المللی و کشورهای غربی دور مانده است

۳- در کنوانسیون و برخی از کشورهای غربی به برابری زن و مرد در برخورداری از حق مالکیت اشاره شده است، این حق از جمله حقوق اساسی هر فرد بوده و تنها زمانی سلب مالکیت خصوصی مجاز شمرده می‌شود که در جهت رعایت مصالح عمومی باشد؛ ضمن آنکه این حق در اسلام، در ۱۴۰۰ سال پیش به زن داده شده است ولی در اروپا و آمریکا در ۱۵۰ سال اخیر

۴- "حق اشتغال"، از حقوق اساسی هر انسانی - اعم از مرد و زن - می‌باشد که در ماده ۲۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز این مورد بیان شده است. از نظر اسلام، زنان نیز از حق انتخاب شغل برخوردارند، چرا که اساساً هر استعداد طبیعی دلیل یک حق طبیعی است. در اصولی از قانون اساسی ایران که ملهم از تعالیم الهی دین مقدس اسلام است، بر حق انتخاب شغل افراد تأکید شده است. در قوانین ایران - با توجه به منزلتی که اسلام برای زن و جایگاه مهم وی در خانواده قائل است - مقررات بگونه‌ای تنظیم شده که به وظایف خطیر و ارزشمند مادری و همسری او، خدشه‌ای وارد نشود.

۵- در کنوانسیون و قوانین اساسی کشورهای غربی، هر چند حق اشتغال زنان به رسمیت شناخته شده است، اما نکته حائز اهمیت این است که آنچه مبانی فکری کنوانسیون و اندیشه غربی را تشکیل می‌دهد. اومانیزم (فردگرایی) است. در این دیدگاه، انسان بما هو انسان، محور قرار می‌گیرد و به جنسیت او توجهی نمی‌شود، از این رو نقش‌های دیگر زن (مادری، همسری) دستخوش فراموشی می‌گردد. ۶- "مشارکت سیاسی زنان در ایران نه تنها حق آنان به شمار می‌رود، بلکه بنا به فرمایش بنیانگذار جمهوری

اسلامی ایران، از جمله تکالیف آن‌ها می‌باشد. زنان با شرکت در تظاهرات، تشکیل جلسات سیاسی، تکثیر و پخش اعلامیه‌ها و نوارهای حضرت امام، ترغیب خانواده به فعالیت‌های انقلابی، پناه دادن به مبارزان نقش فعال در جبهه‌ها (در خطوط مقدم و تدارکات و پشتیبانی و کادر پزشکی و ...)، و مشارکت در همه‌پرسی‌ها به شکل بارزی در صحنه‌های سیاسی - اجتماعی شرکت دارند. در صدر اسلام نیز زنان بسیاری با شرکت در غزوات، حفاظت از جان پیامبر (ص)، پرستاری از مجروحان، در بیعت با پیامبر و حضور داشتند.

در نهایت اینکه تمام ملل وادیان، حکما و اندیشمندان به نوعی به حقوق زن پرداخته‌اند. اما دین مبین اسلام و قوانین جمهوری اسلامی ایران که برگرفته از شریعت مقدس اسلام می‌باشد با توجه به طبیعت اصیل و فطرت واقعی و آفرینش زن، دستورات و قوانینی را به منظور نیل به سوی کمالات والای انسانی و رعایت عدالت برای زنان قرار داده است که با توجه به شرایط کنونی زنان در جوامع بشری می‌توان به جرأت گفت که بهترین راهکار و نجات زن از وضع کنونی می‌باشد.

زنان ترک از پیشتر همزمان با اصلاحات امپراتوری عثمانی در دوره‌ی تنظیمات به کسب برخی حقوق و مزایا در اجتماع موفق شده بودند، ظهور جمهوری ترکیه فرصتی را فراهم آورد تا اصلاحات اخیر به طور جدی تر توسط مصطفی-کمال و دیگر جمهوری خواهان ادامه یابد. کمالی‌ها با تصویب برخی قوانین، همانند؛ لغو چند همسری، حق طلاق، حق ازدواج با غیر مسلمان، مدنی کردن ازدواج و طلاق، و تساوی زن و مرد در ارث، کوشیدند حقوق زن در خانواده را دگرگون سازند، در کنار آن با تشویق زنان به ترک حجاب اسلامی، و رواج نگرشی سهل‌گیرانه نسبت به روابط زن و مرد در جامعه تلاش نمودند تا زن جمهوری را به موقعیتی همپای زنان در جوامع غربی برسانند، از سوی دیگر با اعطای برخی آزادی‌های سیاسی چون، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن از سطوح محلی تا ملی، مشارکت گروه نام برده در این حوزه نیز افزایش یافت. زن تحصیل کرده، ملی‌گرا، هواخواه لائیک و مدافع جمهوری نوین چهره‌ی ایده‌آل یک زن در عرصه‌ی اجتماعی و سیاسی به شمار می‌رفت. تبلیغ این چهره از طریق رادیو، مطبوعات و کتاب‌ها و با معرفی دخترخوانده‌های کمال به جامعه، که همگی موافق با آرمان‌های جمهوری نسبت به زنان بودند، دنبال می‌شد تا از این طریق جامعه‌ی ترکیه‌ی تو نگرش خود را نسبت به زنان تغییر دهد، اصلاحات اخیر که در راستای هر چه بیشتر عرفی نمودن حیات ترکان صورت می‌گرفت، به رغم تلاش گسترده‌ی کمالیها، اغلب در بین سنت‌گرایان و حتی برخی از نخبگان جمهوری مخالفانی داشت.

در کشور ترکیه تا دهه ۸۰ میلادی بحث حقوق زنان در جامعه مطرح نشده بود در سال ۱۹۹۳ نقطه عطف دیگری برای ترکیه بود و پس از آنکه ترکیه متعهد شد برخی از اقدامات را برای پایان دادن به تبعیض انجام دهد، برای اولین بار یک زن به عنوان تانسوسیلر از حزب مسیر واقعی، نخست وزیر ترکیه شد. در سال ۱۹۹۸ ترکیه قانون حمایت از خانواده را تصویب کرد و این قانون در سال ۲۰۰۷ میلادی اصلاح و دامنه آن توسط قانون حمایت از خانواده و جلوگیری از خشونت علیه زنان در مارس ۲۰۱۲ میلادی لازم الاجرا شد. در زمان حزب عدالت و توسعه نیز با فعالیت ۱۲۶ نفری زنان، در سال ۲۰۰۱ اصلاحاتی در قوانین ترکیه به نفع زنان

صورت گرفت. اگر چه ترکیه نخستین کشوری است که در سالهای ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ کنوانسیون استانبول در زمینه جلوگیری و مبارزه با خشونت خانگی علیه زنان را امضاء و تصویب کرد و در راستای تعهدات خود طبق این کنوانسیون، تغییرات قانونی را برای جلوگیری از خشونت علیه زنان به تصویب رساند، با این حال ترکیه از اجرای تعهدات ملی و بین المللی خود در جهت برابری جنسیتی عقب مانده و زنان در ترکیه همچنان با چالش خشونت مبتنی بر جنسیت که به نگرش انسانی است، روبرو هستند. (سعیدی، همان)

بررسی به عمل آمده در کشورهای ایران و ترکیه، در زمینه تامین اجتماعی نیز نشان دهنده تمرکزگرایی دولتی در ساختار سازمانی این کشورها است و تصمیمات در مرکز اتخاذ و واحدها مجری دستورات می باشند.

در خصوص لوایح یا برنامه های دولتی در ایران و ترکیه تصمیمات، ساختاری از پایین به بالا ندارند

در رابطه با قوانین و مقررات نتایج نشان می دهند که در ایران و ترکیه قوانین و مقررات نوشته شده به طور کامل به اجرا در نمی آید؛ به عنوان مثال می توان از استقلال اداری و مالی این دو سازمان نام برد که در هر دو کشور نه تنها دولت به چنین استقلالی در عمل احترام نگذاشته، بلکه به تعهدات خود پایبند نبوده است. در این دو کشور جامعیت قوانین روی کاغذ حتی به آن چه در سوئد اجرا می شود نیز نمی رسد، در خصوص زیر حوزه ها کشور ایران و ترکیه تقریباً در همه زمینه هایی که یک کشور به توجه کامل نیاز دارد تا آسایش و امنیت شهروندان در آن تأمین شود، به صورت مشابه و البته با اندکی تغییر پرداخته اند. در کشورهای مورد بحث، در ایران و ترکیه مسائل به صورت کلی تری دنبال می شوند و شاید دلیل آن محدودیت منابع مالی در این کشورها باشد. در کشورهای ایران و ترکیه مالیات در برخی زمینه های رفاهی یا به کلی نقش ندارد یا نقش کم رنگی دارد. قسمت اعظم درآمد سازمان تأمین اجتماعی ایران و ترکیه از حق بیمه ها و کمکها و تعهدات دولتی است، اما ضعف مالی دولت در ایران سبب افزایش بی رویه بدهی ها به تأمین اجتماعی شده است. راهبردهای مورد بررسی نشان میدهد که ایران و ترکیه نسبت به امور بیمه ای، امدادی و حمایتی رویه ای تقریباً مشابه را در پیش گرفته اند. اما تعدد سازمان ها حمایتی و امدادی در ایران نسبت به ترکیه بیشتر به چشم می آید.

"جانویتز" معتقد است که جامعه شناسی شهروندی از یک عدم تعادل بین حقوق و مسئولیتهای شهروندی رنج می برد. در واقع حقوق شهروندی به طور همزمان بر مسئولیتهای شهروندی تأکید نمی شود. در حالیکه شهروندی شایسته شامل تعادل بین حقوق و تعهدات است. این در حالیست که مسئولان و کارگزاران سیاسی و اجتماعی ایران بیشتر به دنبال طلب انجام تکالیف شهروندی از سوی افراد می باشند. این در حالیست که شهروندان معتقدند که تکالیف شهروندی بیشتری انجام می دهند ولی از حقوق شهروندی لازم برخوردار نیستند. به نحوی که یا شاهد پی گیری حقوق شهروندی شان حتی به طور غیر مسالمت آمیز می باشیم و یا شاهد انجام تکالیف شهروندی سطحی و پایین بدون توجه به پیگیری حقوق و استفاده از فرصت های گوناگون قانونی هستیم. در واقع میزان تحقق شهروندی در جامعه ما در حد متوسط و کم و در ابعاد نظری و عملی تحقق یافته است. در جامعه ما وجود عدم تعادل

در برخورداری از حقوق و انجام تکالیف شهروندی، توسعه شهروندی در ابعاد گوناگون سیاسی، اجتماعی، مدنی را با مشکل و محدودیت در توسعه روبرو می‌سازد و این موضوع، خود رفتارهای پیش‌بینی‌ناپذیر رفتارها و کنش‌های اجتماعی و سیاسی و مدنی شهروندان را در پی داشته است، به نحوی که مجموعه نظام و عرصه عمومی را با فرصت‌ها، چالش‌ها و بحران روبرو می‌سازد. (غیاثوند، ۱۳۹۴: ۱۲۲)

در حقیقت چنانچه رابطه متقابل شهروندی با تکالیف شهروندی در جهت بالا متعادل باشد، شهروندی فعال است و چنانچه در جهت پایین با هم تعادل پیدا کند، شهروندی از نوع منفعل است.

همچنین آموزش شهروندی عامل مهمی در نهادینه شدن حقوق شهروندی است، آموزش شهروندی منجر به تحکیم و تقویت نظام ارزشی مهارت‌های شهروندی در جهت استحکام دموکراسی و مشارکت پایدار شهروندان می‌گردد. در واقع آموزش شهروندمداری در یک جامعه باعث این شده که تمام اعضای جامعه از حس شهروندی مثبتی به صورت ملی برخوردار باشند و ضمن برخورداری از احترام ملی، از حقوق مشخص اجتماعی و سیاسی و اقتصادی بهره‌مند گردند. با توجه به این اوصاف و با رفع موانع نقایص در قانون اساسی و حقوق شهروندی و با نظارت صحیح دستگاه متولی این حقوق، می‌توان شاهد بهبود حقوق شهروندی در ایران بود.

حقوق شهروندی در ترکیه نیز تحت تاثیر عوامل بر شمرده متعددی که بیشتر ذکر آن رفت قرار گرفته است. به این صورت است که در کشور ترکیه آثار کودتا هنوز خود را در نیروهای پلیس و نیروهای امنیتی به این صورت به جا گذاشته است که مثلاً اگر شخصی دستگیر شود، وی را به عنوان مجرم و نه متهم محسوب می‌کنند. دوم اینکه امنیتی بودن جامعه ترکیه است که این موضوع در دوره اسلامگراها نیز حفظ شده است. در این خصوص امنیتی‌ها در ترکیه همیشه دست بالا را در این کشور داشته‌اند. از تمام این موارد گذشته باید گفت ترکیه به جهت هویت مبهم و چندرگه و معلق به ویژه (حزب عدالت و توسعه) و روحیه میلیتاریستی که در تمام دوران همواره عرصه سیاسی این کشور و حقوق شهروندی را تهدید می‌نماید، مهندسی و معماری جدید صنفی طبقاتی را لازمه نظم سیاسی جدید با عنوان "ریاستی" می‌داند. در نتیجه حقوق شهروندی این طبقات نه تنها پایمال شده بلکه به جهت ضعف و تحدید قدرت از لحاظ سیاسی وابسته باقی مانده‌اند. اگر چه دولت ترکیه خود را سردمدار پرچم مشارکت سیاسی و کثرت‌گرایی و همچنین خود را مروج مرکزمداری در ساختار و فرآیند تصمیم‌سازی حزبی نامیده ولی بر مرکز‌گرایی و حکومت محلی به عنوان راه حل مشکلات دیوان‌سالاری از نفس افتاده ترکیه تاکید داشته‌اند تنها با مشکلات متعددی در این زمینه روبرو شده بلکه از سیاست "معطوف به هویت" این کشور از موانع حقوق شهروندی نام برده شده است. (صادقیان و رهبر، همان: ۲۵۳)

نکته اصلی که در حقوق شهروندی در ایران و ترکیه از نظر عامل دین‌نمایان و برجسته است این است که در جمهوری اسلامی ایران مفهوم شهروندی به معنی غرب و تعریفی که از این حقوق متصور است به جهت توصیه‌های دین در قوانین و هدایت

شهروندان، امکانپذیر نیست در حالی که در ترکیه همانطور که به آن اشاره شد یک نوع فرهنگ تمایل به توسعه و مدرن بودن با دین آمیخته و سازگاری پیدا کرده و نوع حقوق شهروندی فارغ از توصیه های دینی نسبت به جمهوری اسلامی ایران مشاهده می شود.

بر اساس همه شواهدی که ذکر شد ما می بینیم که هر دو کشور از گروهی هستند که سعی در این دارند که به حقوق شهروندی مردم توجه کافی داشته باشند ولی همیشه و در شرایطی خاص این قوانین کارگر نمی باشد و در اجرای آن خلل ایجاد می شود در کشور ایران بحث مذهب این که بر دین اسلام انطباق نداشته باشد مورد بازنگری قرار می گیرد. ترکیه نیز از پیشگامان در این عرصه بوده است و سعی داشته که قوانین و مقررات مربوط به حقوق شهروندی را به اجرا در آورد که با مشکلاتی در این راه از جهات مختلف برای اجرای آنها به وجود آمده است. پس در نهایت نتیجه می گیریم که هر دو کشور با توجه با ساخت سیاسی و مذهبی و فرهنگی خود یک سری قوانین به وجود آورده اند که نسبی بوده است و در صورت ضرورت تغییر می کند.

بررسی تطبیقی و رعایت این معیارها در نظام حقوقی ایران و ترکیه محور اصلی بحث در این پایان نامه می باشد موجب شناخت نقاط ضعف و قوت هر دو کشور و غنی تر کردن اجرا و نظارت بر اجرای این حقوق با استفاده از تجارب کشورهای پیشرفته در کشور عزیزمان ایران می شود. و در پایان با توجه به آن چه در خصوص مبانی، روند تحول و مفاهیم حقوق بشر و شهروندی اشاره شد و هم چنین، آن چه که در خصوص بازشناسی مرزهای دقیق میان این دو مقوله حقوقی آمد، باید بیان داشت که شکل گیری یک جامعه نوین که اصول و موازین مدنی در آن به عنوان یک عنصر تعیین کننده مدنظر است، بدون رعایت حقوق بشر و شهروندی در مفهوم دقیق و همه جانبه آن که در آن صرفاً حقوق انسانی افراد و مراعات آن، حائز اهمیت است و هم چنین شناخت وسیع حقوق شهروندی، امکان پذیر نمی باشد. قانون اساسی جمهوری اسلامی با تکیه بر جهان بینی و ایدئولوژی الهی و با شناخت ابعاد وجودی انسان، حقوقی را برای فرد برشمرده است که توجه به آنها می تواند، شناخت و بصیرت انسان را برای ایجاد ارتباط درست و منطقی با دولت و هم چنین در ارتباط با افراد دیگر اجتماع، افزایش دهد و موجب سلامت و اعتدال جامعه گردد.

منابع

۱. آرال، بردال، "دمکراسی و حقوق بشر به عنوان چالش هایی در برابر هویت ملی ترکی"، دوفصلنامه حقوق بشر، سال پانزدهم، شماره یک، ۱۳۹۹.

۲. اروج زاده، لایلا، "بررسی و تحلیل نظام دینی و سیاسی ترکیه و تاثیر آن در شکل گیری ترکیه معاصر"، کنفرانس بین المللی مطالعات اجتماعی و فرهنگی و پژوهشهای دینی، ۱۳۹۷.

امیری، سروش، "ریشه های ملی و بین المللی چالشهای حقوق شهروندی در ایران"، فصلنامه سیاست، سال سوم، شماره ۱۰، ۱۳۹۵.

ارغوانی، فریبرز، صالحی، سیدجواد، ایمانی، امیر، "مولفه های ثبات و تهدید در روند دمکراسی ترکیه"، فصلنامه پژوهشهای راهبردی سیاست، سال ششم، شماره ۲۲، ۱۳۹۶.

۳. احمدی طباطبایی، سیدمحمدرضا، "حقوق شهروندی با تاکید بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران"، فصلنامه خط اول، رهیافت انقلاب اسلامی، سال سوم، شماره ۸، بهار ۱۳۸۸.

۴. انتخابی، نادر، (۱۳۹۲)، "دین، دولت و تجدد در ترکیه"، چاپ اول، تهران، انتشارات هرمس.

۵. برزگر، کیهان، مفیدی احمدی، حسن، "تاثیر پذیری سیاست خارجی ترکیه از روند اروپایی شدن"، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و هشتم، شماره چهارم، ۱۳۹۳.

۶. بدوی، فاطمه، نصیری، بهاره، "سیمای زنان در رسانه های کشور ترکیه"، سال هشتم، شماره بیستم، بهار ۱۳۹۲.

۷. توسلی، غلام عباس، نجاتی حسینی، سیدمحمد، "واقعیت اجتماعی شهروندی در ایران"، مجله جامعه شناسی ایران، دوره پنجم، شماره دوم، ۱۳۸۳.

۸. تورمن، رضا، (۱۳۹۸)، "یادداشت کنایی قاضی برجسته ترکیه، سرزمین آزادی ها"، پایگاه خبری - تحلیلی تی ۲۴. قابل دسترس در:

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1398/12/21/2221121>

۹. تقی پور، سحر، (۱۳۹۳)، "ترکیه و موازین حقوق بشر"، مرکز پژوهشهای علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۱۳۹۳.

۱۰. جامعه مدنی در تنگنای سیاست، "عظنا پایگاه خبری - تحلیلی علامه طباطبایی، بررسی وضعیت نهادهای مدنی ایران در میزگرد، کاظمی، کاشانی، مرتاضی. قابل دسترس در: atnanews.ir/archives/90190

۱۱. جانی پور، مجتبی، "مجله مطالعات جامعه شناسی"، دوره دهم، شماره ۳۴، ۱۳۹.

۱۲. زارعان، منصوره، زارعی، معصومه، هندوست، عطیه، "توانمند سازی زنان سرپرست خانوار با تاکید بر برنامه های چهارم و پنجم و ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران"، نشریه زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۶، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۷.

۱۳. سعیدی، گلناز، "نگرش به حقوق سیاسی و اجتماعی زنان ترکیه (۲۰۲۰-۱۹۳۰)"، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح، IPSC، ۱۳۹۸.
۱۴. صفریان، روح اله، شهرام نیا، امیرمسعود، مسعودنیا، حسین، "الگوی حکمرانی خوب و توسعه اقتصادی در ایران و ترکیه (۲۰۰۶ تا ۲۰۱۷)"، فصلنامه علمی رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، دوره یازدهم، شماره ۲، ۱۳۹۸.
۱۵. طاهری، محسن، "مقاله نقد و بررسی جایگاه حقوق شهروندی در نظام حقوق ایران با نگاهی به منشور حقوق شهروندی"، همایش جهاد دانشگاهی، دوره دوم، سال ۱۳۹۵.
۱۶. عبداللهی، محمد، "زنان و نهادهای مدنی، مسائل، مواضع و راهبردهای مشارکت زنان در ایران"، مجله جامعه‌شناسی ایران، شماره دوم، ۱۳۸۳.
۱۷. فلاح زاده، محمد، "نسبت حقوق شهروندی و حقوق بشر"، مجله حقوقی، شماره ۵۸، سال ۱۳۸۶.
۱۸. فغان نژاد، سعداله، نوری، مهدی، "بررسی حقوق شهروندی در وضعیت بحران"، دو فصلنامه علمی - پژوهشی، شماره اول، ۱۳۹۱.
۱۹. قاضی پور، سجاد، "درآمدی بر حقوق شهروندی"، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، تهران، ۱۳۹۰.
۲۰. محبوبی شریعت پناهی، نسیم السادات، رکن الدین، افتخاری، فرجیها، محمد، فلاحتی، لیلا، "تحلیل محتوایی حقوق شهروندی اجتماعی زنان در برنامه‌های پنج ساله توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران"، پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال دهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۸.
۲۱. محسنی، علی، الهی منش، محمدحسن، طرخورانی، نادیا، "جایگاه جامعه مدنی و کنشگران غیردولتی در سیاستگذاری عمومی ایران (۱۳۹۲-۱۳۸۴)"، فصلنامه علمی - تخصصی سپهر سیاست، سال ششم، شماره ۱۹، ۱۳۹۸.
۲۲. مصطفوی، سیدمحمدحسن، "مروری بر برنامه توسعه کشور با تاکید بر برنامه ششم و مقایسه آنها با معیار برخی شاخص‌های مرتبط با اقتصاد اسلامی"، فصلنامه علمی ترویجی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره هجدهم، ۱۳۹۶.
۲۳. مزروعی، علی، "تجربه حزب عدالت و توسعه ترکیه"، فصلنامه آیین، شماره ۱۹ و ۲۰، سال ۱۳۸۷.
۲۴. معاونت مطالعاتی و تحقیقاتی سازمان ملی جوانان، وضعیت سازمان‌های مردم‌نهاد جوانان در سال ۱۳۸۴. قابل دسترسی در:

۲۵. ملکی، صادق، (۱۳۹۱)، "نگاهی تحلیلی به تحولات ترکیه در سال گذشته". قابل دسترس در: www.caucasus.ir
۲۶. مومنی، فاطمه (۱۳۸۵). بانوان در تاریخ معاصر، نشریه زمانه ۱۳۸۵، شماره ۴۸
۲۷. وحید دولتی، «بررسی مبارزات ضداستبدادی و ضداستعماری زنان در عصر قاجار»، مجموعه مقالات و سخنرانیهای همایش بزرگداشت مشروطه، تبریز، ستوده، ۱۳۸۳، صص ۱۴-۴۰۰
۲۸. منصوره اتحادیه، «زن در جامعه قاجار»، خلاصه مقالات نشریات زن در تاریخ ایران، به کوشش حوریه سعیدی، تهران، زیتون، ۱۳۸۲، ص ۵۴
۲۹. جمیله کدیور، زن، تهران، انتشارات اطلاعات، چ دوم، ۱۳۷۸، ص ۵۵
۳۰. کریستین، آرتور، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشیدیاسمی (۱۳۷۴) چاپ نهم، انتشارات دنیای کتاب، تهران.
۳۱. موسی زاده، ر. (۱۳۹۲). (حقوق اداری ۱ و ۲ کلیات و ایران. تهران: میزان.
۳۲. مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۳). (بهبود نظام تصمیمگیری در سازمان تامین اجتماعی. تهران: دفتر بررسیهای اقتصادی مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی.
۳۳. سازمان تامین اجتماعی (۱۳۹۰). (تامین اجتماعی در سراسر جهان سوئد. تهران: معاونت امور بینالملل اداره کل روابط عمومی و امور بین الملل
۳۴. زارع، ب. و اسدی، ز. (۱۳۹۰). (رابطه تامین اجتماعی با توسعه اقتصادی- اجتماعی در ایران. رفاه ۶۷-۱۰۶. ۱۱، (۲) اجتماعی،
۳۵. تانزی، وی. (۱۳۷۹). (جهانی شدن و آینده تامین اجتماعی. (ترجمه عزیز کیاوند). تامین اجتماعی، ۱۱۳-۱۳۶. ۲، (۲)
۳۶. سازمان توسعه تجارت ایران (۱۳۸۸). (گزارشات مطالعاتی کشور ترکیه. بازایابی شده از <http://farsi.tpo.ir/index.aspx?siteid=1&fkeyid=&siteid=1&pageid=603>

۱. cook, steven A, Turkish democracy can't Die ,because it never lived , foreign policy magazine, May 13, 2019. (<http://foreignpolicy.com/2019/05/13>)

۲. Donohue, Andrew-hoffman, Max makovsky, Alan, Turkey's changing media Landscape, center for American progress, Jun 10, 2020.

۳. Lagoutte, Stephanie, "fair trial and defence rights in criminal Matters".

۴. Max Planck, "Max Planck Manual on fair trial standards, bogdandy and wolfrum: second – edition October institute for comparative public law and international law: p: 2005.
۵. Cosar, S. & Yegenoglu, M. (2009). The neoliberal restructuring of Turkey's social security system. *Monthly Review*, 60 (11), 36-49. – Eliassi, B. (2015). Constructing cultural otherness within the Swedish welfare state: The cases of social workers in Sweden. *Qualitative Social Work*, 14 (4), 554-571.